



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۰/۰۴/۲۸

عبدالقیوم میرزاده

توافقنامه امریکا - طالبان برای صلح و یا تحمیل پروژه داعش - طالب در عوض کمپنی بلاک و اتر

بتاریخ ۱۴ مارچ سال ۲۰۱۹ تحت عنوان « مذاکرات امریکا با طالبان برای صلح و یا تحمیل پروژه داعش - طالب در عوض کمپنی بلاک و اتر » مضمون تحلیلی از این قلم منتشر گردید که شرح آنرا مجدداً ارائه میکنم: (رسانه های داخلی و جهانی بتاریخ دوازدهم مارچ سال ۲۰۱۹ پس از سیزده روز مباحثه پشت در های بسته ختم بدون نتیجه پنجمین دور مذاکرات نماینده گان امریکا و طالبان را در دوحه مرکز قطر اعلام کردند. هکذا سخنگوی وزارت خارجه ایالات متحده امریکا گفت که "خلیل زاد در مذاکرات شش روزه اش با طالبان در دوحه روی خروج نیروهای خارجی از افغانستان در ظرف ۱۸ ماه نیز به توافق نرسیده است." اما زلمی خلیل زاد مسؤول هیئت نماینده گان امریکا برای این مذاکرات کمی بعد از انتشار اخبار اختتام دور پنجم مذاکرات از راه توئیتر خویش اعلام داشت که "ما روی دو موضوع یعنی (پیش نویس جدول زمانی خروج نیرو های بین المللی) و (اقدامات موثر مبارزه علیه تروریسم) به توافق رسیدیم و نهایی شد و همچنان نوشته است که "برای رسیدن به صلح باید روی دو مورد دیگر یعنی (گفت و گو های بین الافغانی) و (آتش بس همه جانبه) نیز توافقی صورت گیرد." همچنان شبکه خبر رسانی DRY NEWS پاکستان از قول ذبیح الله مجاهد سخنگوی طالبان نوشت که "طالبان بعد از ختم پنجمین دور مذاکرات بصراحت اعلام کردند که خروج نیرو های خارجی یگانه پیش شرط ما برای مذاکره میباشد و هیچ توافقی بدون اجرای این پیش شرط صورت نمیگیرد"

اگر نماینده امریکا خلیل زاد برای اغوا و مغشوش ساختن اذهان عامه اخباری را منتشر میسازد و یا طالبان با استفاده از فرصت بدست آورده بزرگ نمایی میکنند، همه و همه فرسنگ ها با اصل اجندای مذاکرات فاصله دارند. طوریکه در نوشتار قبلی ام در آغاز مذاکرات دوحه زیر عنوان "درنگی بر تلاشهای صلح امریکایی در قبال جنگ افغانستان" در این زمینه نگاشته ام: همکاری بلاقید و شرط پاکستان در این پروسه بسیار سوال بر انگیز جلوه میکند. زیرا از اوایل سال ۲۰۱۷ حکومت امریکا کمکهای نقدی ۸۰۰ میلیون دالری سالانه اش را برای پاکستان قطع کرد و اخیراً همچنان کمک ۳۰۰ میلیون دالری اش را به پاکستان نیز قطع کرده و ترامپ رییس جمهور امریکا پاکستان را شریک غیر قابل اعتماد توصیف کرد. اما بعد از سفرمایک پمپو وزیر خارجه امریکا به پاکستان و ملاقات اش با مقامات پاکستانی آنها بلافاصله بتاریخ ۲۵ اکتوبر سالروان ملا عبدالغنی برادر که از چهره های سرشناس و کلیدی طالبان شمرده میشود و از هشت سال بدینسو در زندان پاکستان بسر میبرد آزاد ساختند. موصوف در سال ۲۰۱۰ از جانب نیرو های امریکایی دستگیر و به نظامیان پاکستانی سپرده شده بود، در آنزمان گفته میشد که موصوف مذاکراتی پنهانی را با حکومت افغانستان بخاطر قطع جنگ به پیش میبرد که دولت افغانستان این مذاکرات را برای تأمین صلح در کشور بسیار موثر می پنداشت و به همین لحاظ بعد از زندانی شدن موصوف در همان سالها چندین بار هیأت های رسمی شامل نماینده گان وزارت های امور خارجه، دفاع، اداره امنیت ملی و شورای عالی صلح افغانستان به پاکستان سفر کردند و پیشنهادات مشخصی را برای رهایی این ملا برادر با جانب پاکستانی مطرح کردند که هیچ ثمری را در قبال نداشت. چه شد که به یکباره پاکستانی ها در همکاری نزدیک با مقامات امریکایی قرار گرفتند؟ از اینجاست که میتوان به عمق این ماجرای شوم پی برد که این فعل و انفعالات برای کشور ما مایمون نیست. زیرا همین خلیل زاد تهداب حکومتی را با رو پوش جلسه بن در افغانستان نهاد که جنگ را در کشور ما به ابعاد وسیعتر

د پانو شمیره: له 1 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولی

و نیرومند تر از قبیل رهبری کرد و طالب را دوجندان مسلح تر و مجهز تر و در پهلوی گروه های اهریمنی داعش را نیز برای اهداف استراتژیک اش در اکناف کشور ما جابجا ساخت. صد ها هزار نفر را زیر نام اتحاد شمال بطور لجام گسیخته مسلح ساخته و زور گویان بیشماری را در سراسر افغانستان چون ملوک الطوائف برای چاپیدن مردم جابجا و حمایت کردند. این نماینده جهنم ساز امریکایی نه تنها کشور ما را به جهنم مبدل ساخته و در پی اشتعال بیشتر این جهنم میباشد بلکه در زمان ماموریت اش در کشور عراق آنکشور را به مصیبت ها و افتراق های خانمانسوز شیعه - سنی، عرب - کرد و قطب بندی های بسیار عمیق قومی و مذهبی کشانیده و جنگ را در سراسر آنکشور نیز مشتعل ساخت که خاتمه آن تا هنوز دیده نمیشود.

از تحلیل وضع چنین استنباط میتوان کرد که شتاب بیش از حد نماینده امریکا خلیل زاد در تدویر و پیش برد مذاکرات با طالبان همانا اجرایی شدن سریع فرمان ترامپ رییس جمهور امریکا مبنی بر خروج قوای آنکشور از افغانستان و جستجوی ذرایع کم هزینه تر برای پیشبرد اهداف استراتژیک شان در منطقه میباشد. زیرا بر اساس گزارش مجلس سنای امریکا در نزدیک به دو دهه جنگ در افغانستان ایالات متحده امریکا حدود دوتریلیون یا دو هزار میلیارد دالر هزینه کرده است و تا هنوز هم حدود ۵۱ میلیارد دالر سالانه موجودیت قوایش در افغانستان هزینه بر میدارد. در همین راستا بتاریخ ۵ مارچ سالروان سناتور رند پال پسر رایان پال نماینده بسیار سر شناس مجلس سنا از حزب جمهوری خواه و سناتور تام اودل از حزب دیموکرات لایحه را بنام افغان AFGHAN به مجلس سنای امریکا پیشنهاد کردند و در این لایحه ضرب الاجل یکساله برای خروج نیروهای امریکایی از افغانستان تعیین گردیده است و بر اساس این طرح تمام مسوولیت های امنیتی و تاسیسات امریکاییان در افغانستان به دولت افغانستان تحویل داده شود. در این لایحه آمده است جنگ بی پایان افغانستان امنیت ملی ما را تضعیف میکند، نسل های کنونی و فردای ما را زیر قرصه های هنگفت قرار داده و دشمنان زیادی را برای تهدید ما خلق میکند.

بنام تمام این شتاب ها بر یک چیز اتکا دارند و آن منافع ایالات متحده امریکا با هزینه کمتر و قابل پرداخت البته از نظر ترامپ. آنها در گام نخست خصوصی سازی جنگ را در افغانستان مطرح کردند برای این کار ایریک پرنس Erik Prince جنگ پیشه نامدار نیروی بحری امریکایی که سالها مدیریت ارشد جنگ را در ایالات متحده امریکا عهده دار بود و در سال ۱۹۹۷ کمپنی بلاک واتر را تأسیس کرد، و در جریان جنگ عراق که بیش از ۶۰ شرکت امنیتی را در سرتاسر عراق اداره میکرد قرارداد های این شرکت با دولت امریکا بیشتر از یک میلیارد دالر بود و بعد از حمله امریکا به افغانستان و استقرار نیرو های مسلح آنکشور در افغانستان نیز کمپنی بلاک واتر دست به تأسیس ده ها شرکت خصوصی امنیتی زد و در سال ۲۰۰۹ ایریک پرنس نام شرکت اش را به ایکس آی سیستمز XI SYSTEMS تعویض کرد. موصوف از سال ۲۰۱۴ بدینسو سفر هایی به افغانستان داشته و در زمینه خصوصی سازی جنگ در افغانستان مذاکرات آشکار و پنهانی را با رجال افغانی خاصاً با آنهايي که در تفاهم ضمنی و نزدیکی با طالبان قرار داشتند راه اندازی کرد و بر اساس تبصره های رسانه های درون مرزی و سوسیال میدیای افغانی در این مذاکرات از جانب ایریک پرنس در صورت توافق با خصوصی سازی جنگ حتی وعده برنده شدن در انتخابات ریاست جمهوری پیشرو نیز داده شده بود. امریکاییان در طول زمان سیطره شان در افغانستان سعی فراوان بخرچ دادند تا بر اساس بر آورد های شان همه سکتور ها را در افغانستان منجمله سکتور امنیت و دفاعی را نیز خصوصی سازند. به این منظور آنها بوسیله گماشتگان شان و کمپنی بلاک واتر شرکت های امنیتی را در کشور ما راه اندازی کردند. که نتایج خون بار آن تا کنون جان و مال مردم ما را گرفته و تمام فعالیت های نقل و انتقالات اسلحه، مهمات و مواد انفجاری راهمین شرکت ها در بدل در آمد های هنگفت عهده دار بودند و هنوز هم هستند و طرح حکومت افغانستان برای توسعه و اكمال قوای مسلح با ظرفیت تامین امنیت کل کشور و دفاع در برابر تجاوز خارجی را به بهانه های مختلف تا امروز به عقب انداختند. در توافق های مقدماتی امریکاییان برای لشکر کشی در افغانستان با پاکستان موجودیت یک افغانستان بیطرف فاقد قوای مسلح وعده شده بود. بر اساس همین توافق در اوایل تربیت نیرو های امنیتی خصوصی زیر نام پلیس با پاکستان منعقد گردید و هزاران تن از فارغان اکادمی های امنیتی پاکستان زیر نظر اداره استخبارات نظامی پاکستان ISI بعد از فراغت شامل دستگاه های امنیتی خصوصی و دولتی کشور ما گردیدند. اما خصوصی سازی جنگ در افغانستان مشکل حقوقی دارد، بر اساس ماده پنجم قانون اساسی کشور دفاع از استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی و تأمین امنیت و قابلیت دفاعی کشور از وظایف اساسی دولت میباشد. بنا موجودیت هر نوع شرکت و تاسیسات خصوصی در عرصه امنیتی و دفاعی مغایر احکام قانون اساسی کشور بوده و بر اصل انحصاری دولت در این عرصه در منافات میباشد.

حالا چرا امریکاییان مصمم اند تا آن طالبان را که به بهانه حضور و فعالیت شان در افغانستان در ظرف هژده سال بیرحمانه ده ها هزار مردم بیگناه ما را کشتند و معیوب ساختند دو باره میخواهند بر سر قدرت و یا شریک قدرت بسازند؟ در حالیکه این سازمان جهنمی تروریستی بنابر تعلقی و روابط اش با القاعده و سازمانهای تروریستی جهانی بحیث سازمان تروریستی شامل لیست سیاه سازمان ملل متحد قرار دارد که بر اساس گزارش ماه جنوری سال روان سازمان ملل متحد منتشره ماه فبروری امسال منتشر با وصف حضور پر رنگ هژده ساله قوای مسلح

امریکا و ناتو سازمان القاعده، داعش و سایر سازمانهای تروریستی تا کنون همچنان از افغانستان بحیث پناه گاه امن برای خود و خانواده هایشان استفاده میکنند، این گزارش همچنان حضور فعال القاعده در وجود طالب و داعش در اکثر ولایات افغانستان خاصاً در ولایت بدخشان تخار، جوزجان و فاریاب که بیشتر نیرو هایش از مردمان ایغور چین بنام جنبش اسلامی ترکستان شرقی که تحت رهبری حاجی فرقان و معاونیت مولوی ابراهیم، گروه تروریستی جماعت انصارالله تاجکستان، گروه تروریستی جهاد اسلامی ازبک، گروه تروریستی حقانی در ولایات جنوبی و جنوب شرقی و سایر نیرو های تروریستی یکجا با طالبان و آموز گاران عربی القاعده فعالانه به فعالیت های تروریستی هم در افغانستان و هم در کشور های همجوار مشغول اند، ولی با این همه اسناد انکار نا پذیر امریکاییان بدون در نظر داشت اصول روابط بین الدول با این گروه های اهریمنی باب مذاکره را باز و از قراین پیداست که آنها را دو باره میخوانند بر سرنوشت کشور و مردم ما حاکم سازند؟

نا گفته پیداست که این گروه ها مجریان سیاست های امریکا در منطقه بوده و تهدیدی اند علیه چین، ازبکستان، تاجکستان، قرغستان و فدراتیف روسیه که بهانه امریکا در لشکر کشی به افغانستان هم به همین منظور صورت گرفته است.

حالا امریکا در زیر فشار های اقتصادی توان پرداخت هزینه های این لشکر کشی را که در بالا از آن ذکر بعمل آوردن ندارد، ولی نمیتواند به این ساده گی از این استراتژی هم صرف نظر کند زیرا طراح این سیاست در جنوب آسیا زلمی خلیل زاد شاگرد وفادار زیباییگنیو بریژنسکی و سامویل هانتینگتون میباشد او در ادارات امنیت ملی و مطالعات استراتژییک ایالات متحده امریکا لابی های فراوان برای خود دست و پا کرده است و بوسیله آنها فشار مضاعف می آورد تا طرح های بریژنسکی را در جنوب آسیا عملی سازد. و از طرفی با گسترش روابط اقتصادی و سیاسی چین و پاکستان و سرمایه گذاری های چندین میلیارد دلاری جمهوری مردم چین در پروژه شاهراه ابریشم، بندر گوادر و سایر تاسیسات لوژستیک، انرژی و ریکتور های اتمی در پاکستان، هم اکنون چین بزرگترین صادر کننده تسلیحات به پاکستان میباشد، چین دومین شریک بزرگ تجاری پاکستان میباشد و پاکستان ضمن حمایت همه جانبه از مواضع چین در جنوب آسیا منافع آنکشور را در ابعاد مختلف تأمین میکند. که باعث نگرانی های شدید استراتژیست های امریکایی گردیده و پاکستان رفته - رفته از ردیف کشور های قابل اعتماد امریکا و انگلیس خارج گشته و در ردیف کشور های حافظ منافع چین قرار گرفته است از این جاست که عمران خان صدراعظم پاکستان میگوید که (از این پس پاکستان عسکر مزدور برای هیچکس نخواهد بود.)

اکنون امریکا به عنوان کشور طراح طالبان و تمویل کننده آن در این همه سالها این حق را به خود محفوظ نگهداشته تا در مقاطع معین بحیث وسیله فشار علیه چین، فدراتیف روسیه، ایران و کشور های شامل حوزه نفوذ جمهوری فدراتیف روسیه استفاده کند. حالا که امریکا توان پرداخت هزینه های استقرار قوایش در افغانستان بحیث نیروی بازدارنده گسترش و توسعه نفوذ چین، روسیه و ایران در منطقه را ندارد بناً این طالبان اند که اگر در همکاری با داعشیان قرار داشته باشند این مزاحمت ها و فشار ها روی پروژه های جدایی طلبان ایغور زیر نام ترکستان شرقی، جهاد گران تاجک و ازبک، جهاد گران امارت اسلامی قفقاز و سایر نیرو های مسلح تروریستی که از جانب سازمان استخبارات امریکا CIA در همکاری با سازمان استخبارات نظامی پاکستان ISI تاکنون تعلیم و تربیه، تسلیح، تجهیز، سوق و اداره میگردد و برای مقاصد سیاسی و استراتژییک بسیار کارآمد بودند. فعالیت این نیرو ها در سالهای پسین بیشترین مزاحمت ها را در ایالت سینکیانگ چین در وجود جدایی طلبان ایغور و راه اندازی تظاهرات مسلمانان، برهم زدن نظم و اخلاق امنیت و قاچاق مواد مخدر در تاجکستان، ترافیک مواد مخدر و پولشویی در ازبکستان و مزاحمت های بسیار مخرب و فعالیت های تروریستی در ساحه قفقاز فدراتیف روسیه اثرات بسیار زیانبار مادی و معنوی در جوامع متذکره داشته که همه در راستای منافع استراتژییک امریکا صورت میگرفت.

با پر رنگ شدن نقش چین، هند و ایران در جنوب آسیا و قرار گرفتن پاکستان در محور منافع چین دیگر این گروپ های تروریستی طالب و داعش و سایرین چون تروریستان اجیر و کرایبی بلاثر داد و ستد های پنهانی به کشور های چین، ایران، روسیه و ازبکستان به اجاره و یا کرایه داده میشود که

برگزاری ملاقات ها و تدویر مجالس و محافل با طالبان در چند سال پسین بیشترین برای امتیاز گیری بیشتر و به رخ کشیدن کارت های برنده است که بازیگران منطقوی و جهانی این بازی بزرگ برخ همدیگر میکشند. چنانچه در بالا تذکر دادم در اواخر سالهای ۲۰۰۹ و اوایل ۲۰۱۰ زمزمه هایی از مذاکرات مقامات امنیتی افغانستان با ملا عبدالغنی برادر که در آنزمان مسؤول شورای کویته معرفی میشد برای آتش بس و قطع فعالیت های تخریبی بگوش میرسید. بر اساس گزارشات آژانس های خبری آنزمان بلافاصله اداره اطلاعات مرکزی امریکا CIA مو صوف را دستگیر و به اداره استخبارات نظامی پاکستان ISI تسلیم کرد.

در گام نخست اگر ایالات متحده امریکا بمنظور مبارزه با تروریزم در افغانستان لشکر کشی کرده و ملا عبدالغنی برادر یکی از مهره های کلیدی بنام مسؤول شورای کویته طالبان این گروه تروریستی شامل لست سیاه شورای امنیت ملل متحد و اکثریت کشور های جهان با هویت افغانی قرار داشت چرا به پاکستان کشوری که هیچگاه در امر مبارزه

با تروریسم نه تنها صادق نبوده بلکه خود موجد، پرورش دهنده، تسلیح و تجهیز کننده تروریسم بود (مراجعه شود به گزارشات کنگره ایالات متحده امریکا در سال ۲۰۱۰) تسلیم دادند؟

از طرف دیگر اگر امریکاییان در امر پایان جنگ و قطع فعالیت های تروریستی تروریستان صادق بودند چرا این شخص را که در آن زمان برای قطع فعالیت های تروریستی مصروف مذاکره با دولت افغانستان بود درست در همان مقطع دستگیر و به مرکز دشمنی پاکستان با افغانستان یعنی ISI سپردند؟

در طول سالهای ۲۰۱۰ و بعد از آن دولت افغانستان، وزارت امور خارجه، اداره امنیت ملی و شورای عالی صلح طی مذاکرات رو در رو و سفرهای ممتد خواهان تسلیمی ملا عبدالغنی برادر شدند ولی مقامات پاکستانی هر نوع بحث را در این زمینه از اجندای مذاکرات خارج میکردند، چه اتفاق افتید که با رفتن زلمی خلیل زاد به پاکستان بلا درنگ ملا برادر آزاد شد و با وصف موجودیت نامش در لست سیاه تروریسم بین المللی به قطر سفر کرده و مسئول دفتر طالبان در قطر و رهبر طالبان ارتقا درجه کرد؟

جواب سوالات مطرح شده و ده ها سوال دیگر در همین ردیف به صراحت بما میرساند که ایالات متحده امریکا و هیچ کشوری دیگر نه تنها برای ما صلح نمی آورند، بلکه کشور ما را بیشتر درمنجلا آب آشوب های متعدد دیگر غرق ساخته و در آب گل آلود ماهی میگیرند، امریکاییان در بعد داخلی میخواهند با امتیاز دادن طالبان در میان اراکین دولتی و قوماندانان لجام گسیخته موجود برایشان جای پای ایجاد کنند که به این ترتیب حکومت های موازی را در مقابل حکومت مرکزی ایجاد کرده و چون تکرار حوادث دهه نود جنگ داخلی را در میدهند و به این ترتیب کشور های همسایه برای حفظ منافع شان در کنار یکی از این حکومت های موازی قرار گرفته و به حمایت آن میپردازند. بعد از اجلاس طالبان و همقطاران شان در مسکو ترمز و برخورد مسلحانه عطا محمد نور با تقرر قوماندان پولیس جدید ولایت بلخ اولین نشانه های این بازی خطرناک ضد ملی میباشد. دیگران از این قماش نیز در گوشه و کنار کشور در انتظار سیر حوادث اند. همچنان روند مذاکرات با طالبان در غیاب حکومت افغانستان جواب ایالات متحده امریکا برای خدشه دار ساختن و تضعیف موقف بین المللی دولت افغانستان نیز است که در سالهای اخیر در تحت رهبری حکومت موجود مورد پشتیبانی جامعه بین المللی قرار گرفته است. در مقابل یک سازمان تروریستی بنام طالب را در انظار جهانی صاحب امتیاز نشان میدهند و گویا بزعم خودشان از مشروعیت برخوردار شده و برایش ذهنیت مساعدبین المللی ایجاد میکنند. اما از موضع گیری های بین المللی چنین بر می آید که مذاکرات و توافق امریکا با طالبان موقف و اعتبار بین المللی امریکا را زیر سوال برده و تیزس های بوش پسر را که در سال ۲۰۰۲ به صراحت اعلان کرد "ما با تروریست ها مذاکره نمیکنیم" را همچنان بی اعتبار ساخت و جهان را به این باور میرساند که ایالات متحده امریکا متحد غیر قابل اعتماد بوده و مناسبات بین المللی را را وادار به یک باز نگری به مناسبات شان با ایالات متحده امریکا میگرداند.

در این گیر و دار مردم و نخبه گان ما باید به این باور برسند که یگانه راه برای رسیدن به مقصد صلح، ثبات، منافع ملی، حاکمیت ملی، رشد اقتصادی و همه ارزش های جامعه انسانی فقط و فقط مربوط عناصر داخلی میباشد که از روی درایت تخصصی و حکومت داری خوب در شرایط حاضر سکان لرزان حکومت را در مسیر منافع ملی ثابت نگهداشته و با همه داشته ها و امکانات از حاکمیت ملی دفاع صورت گیرد، حکومت و دستگاه دیپلوماسی از تمام امکانات برای یک اعتماد سازی منطقی در چوکات منافع جانی دست بکار شود. ما نباید با کشور های همسایه شاخ به شاخ شویم زیرا حکم منافع ملی غیر آنرا میرساند در شرایط موجود همانطوریکه در نشست های جهانی سالهای اخیر عده قابل ملاحظه کشور های جهان رویهمرفته از موضع دولت افغانستان حمایت شان را ابراز داشتند از این فضای ایجاد شده بیشترین استفاده صورت گیرد و فشار محسوس بالای کشور هاییکه ما را با همسایگان ما در تقابل قرار میدهند از طریق مجامع بین المللی وارد آید. همه مردم کشور خاصاً مسؤولین امور و نخبگان امور سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در شرایط موجود خود را برای یک امر بزرگ ملی یعنی افغانستان بدون اتکا به خارجیان آماده سازند. برای اینکار همه باید به یک فراخوان ملی نا نوشته و اعلام نشده باور مند گردند که هیچکس جز خود افغانها منافع ملی و حاکمیت ملی شان را تأمین کرده نمیتوانند و برایشان صلح نمی آورند. تا دیر نشده همه مردم با اتحاد و یکدلی با یک صدا بدور دولت و حاکمیت مرکزی حلقه زده و نگذارند پلانهای خصمانه ضد ملی یکبار دیگر ما را به یک جنگ داخلی سوق دهد. وظیفه جوانان با احساس کشور که امروز و فردای این وطن به آنها تعلق دارد است که در برابر هر حرکت زور گویانه و قوماندان سالاری لجام گسیخته ایستاده شده و نگذارند با سرنوشت آنها و کشور شان بازی شود. لحظات برای کشور و مردم ما بسیار سر نوشت ساز است و مستلزم اراده جمعی برای دفاع از وطن و نوامیس ملی میباشد. به این خواست مادر وطن لیبیک بگویم سر فرازی از آن مردم ماست.)

درست با گذشت اندکی بیشتر از یکسال از این نوشته امروز شبکه خبری و اطلاع رسانی (تاند) خبری را به این شرح منتشر ساخته است:

(ایریک پرنس: د امریکا په نوي ماموریت کې به طالبان د بلک وائر رول ولوبوي)

تاند، سه شنبه، د ثور ۹ مه: د امریکایي امنیتي کمپنی بلیک وایر مشر وایي، امریکا د دوی پر ځای د افغانستان جگړه طالبانو ته سپارلې ده.

د روسیې د تاس خبري اژانس د خبر له مخې د بلیک وایر مشر ایریک پرینس په دې وروستیو کې د روسیې نظامي تحقیقاتي مرکز په بلنه مسکو ته تللی او په دغه نظامي مرکز کې نوموړي د پوښتنو ځوابونو یوه برخه کې ویلي دي چې، د بلیک وایر د ډیرو هڅو سره سره د امریکا حکومت له خوا بلیک وایر ته په افغان راتلونکي جگړه کې ونډه نه ده ورکړل شوې.

خو نوموړي ویلي دا ماموریت د امریکا او طالبانو د نوي هوکړې له مخې اوس طالبانو ته سپارل شوی او طالبان په دغه تړون کې مکلف بلل شوي چې افغانستان کې د داعش، القاعدې او نورو ټولو هغه ترهګرو ډلو پر وړاندې جگړه وکړي کوم چې د امریکا د گټو خلاف دي.

ایریک پرینس ویلي طالبانو ته دا نوی مسوولیت سپارل کېدو چې د هغه ماموریت ته ورته دی چې کابو شل کاله وړاندې د امریکا له خوا بلیک وایر ته سپارل شوی وو، تر څو افغانستان او سیمه کې د امریکا د گټو لپاره جگړه وکړي. دا په داسې حال کې ده چې تر دې وړاندې یو امریکایي چارواکي هم منلي وه چې طالبانو ته د افغانستان په ختیځ کې د سولې د تړون له مخې په ازمايښتي ډول پیسې او تجهیزات ورکړل شوي دي تر څو یې د داعش پر ضد جگړه وازول شي.

دا مهال امریکایان او طالبان په قطر کې د سوق او ادارې یو مرکز لري چې د القاعده پر ضد تری عملیات رهبري کيږي.

همانطوریکه در متن گزارش تذکر داده ام توطئه های خطرناک و فاجعه بزرگی علیه حاکمیت ملی، تمامیت ارضی و منافع ملی کشور ما سازماندهی شده و با شدت جریان دارد، هر روز ابعاد این فاجعه وسیعتر و دامنه دارتر میگردد. خلیل زاد که با امضای توافقنامه با طالبان مورخ ۲۰۲۰/۰۲/۲۹ گویا وظیفه اش خاتمه پیدا میکرد اکنون فعالیت هایش دو برابر شدت کسب کرده است و در اکناف جهان در رابطه به مسایل افغانستان در تقابل با منافع ملی کشور ما برای طالبان لابی گری میکند و در مذاکرات اش با نماینده گان کشورها آنها را با قطع و تضعیف روابط سیاسی – اقتصادی با جمهوری اسلامی افغانستان ترغیب میکند. در چنین شرایط خطیر و دشوار این افغانها هستند که با درک از منافع ملی در برابر این توطئه ها به پا خیزند و با حمایت خویش از حکومت مشروعیت آنرا افزایش بخشیده و قاطعانه در دفاع از مادر وطن قرار گیرند. به این ترتیب جلوگیری دسایس و توطئه ها گردند.